



بررسی عوامل موثر در ارتقا کیفیت تدریس معلمان

حیدر رئیسی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی ، دانشگاه پیام نور واحد شهرکرد

۰۹۱۳۲۸۱۴۲۰۳

چکیده :

کیفیت یکی از مهمترین مسایل عصر حاضر است که نه تنها در صنعت بلکه در دنیای رقابتی امروزی در آموزش و پرورش بیشتر از آن مطرح است چرا که امروزه دیگر سرمایه ملی یک کشور، پول و زمین نیست بلکه دانش و نیروی انسانی آموزش دیده، مبتکر و خلاق میباشد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر در ارتقا کیفیت تدریس معلمان و به روش توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام گرفته است . یافته ها حاکی از آن است معلم یکی از اجزای سیستم آموزشی محسوب می شود که همراهی و تعامل او با سایر عوامل از جمله ویژگی های فراگیران و شرایط مدرسه و کلاس منجر به تغییرات قابل ملاحظه ای در دانش آموزان می شود به صورتی که بکارگیری روش های نوین تدریس و دانش آموز محور باعث ارتقا سطح و کیفیت یادگیری دانش آموزان می شود . اگرچه کیفیت تدریس به عنوان روشی خاص توصیف نشده است ولی آن مستلزم استفاده از محتوا و تکنیک های آموزشی مناسب برای ارتقای ظرفیت یادگیری می باشد .

واژگان کلیدی: کیفیت ، تدریس ، معلم ، دانش آموز



مقدمه :

جامعه انسانی همواره در پی آن بوده است تا در پرتو دانش و پویایی به بهبود زندگی مادی و معنوی خود بپردازد و شرایطی ایجاد کند تا به توسعه همه جانبه در زمینه های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی دست یابد. لازمه ی رسیدن به چنین وضعی برای هر جامعه داشتن نظام علمی و آموزشی مستحکم و پویاست تا بتواند روح علمی را در جامعه بدمد و موجب کشف و باروری استعداد و خلاقیت اعضای آن گردد. (عباسیان، ۱۳۸۴) آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی مجموعه ای از ساختارها و فرآیندهایی است که در زمان معینی با اقدامات متناسب نیل به اهداف تربیتی را دنبال می کند و هر چه این نظام کارآمدتر باشد، هدفهای تعلیم و تربیت سهل تر و سریعتر تحقق می یابد. (کرمی پور و شعبان نژاد، ۱۳۸۴)

وظیفه و مسئولیت آموزش امروز نسبت به گذشته سنگین تر و پیچیده تر شده است دیگر نمی توان باروش های سنتی جامعه و افراد آن را بسوی یک تحول پیچیده و پیشرفته سوق داد. امروز فعالیت در مدرسه و در امر آموزش خود بخش عظیمی از زندگی انسانها شده است. امروزه مهمترین دغدغه نظام آموزشی و پرورشی یک کشور، ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه های فکری در جامعه اطلاعاتی و دانایی محور است. برای آنکه همه گروههای اجتماعی قادر باشند به طور مؤثر در چنین جامعه ای مشارکت داشته باشند، باید یادگیری پیوسته، خلاقیت، نوآوری و نیز مشارکت فعال و سازنده اجتماعی را بیاموزند. تحقق این امر مستلزم تعریف مجدد و نوینی از نقش و کارکرد مدارس به عنوان اصلی ترین نهادهای آموزشی در جامعه است. (ملکی نیا، ۱۳۹۴)

تدریس از مهمترین عوامل در فعالیتهای آموزشی و پرورشی است. هنگامی که سخن از آموزش و پرورش به میان می آید مفاهیمی چون معلم و بویژه تدریس، بمراتب بیشتر از سایر متغیرهای مربوط نمایان می شوند. (فتحی آذر، ۱۳۸۲) اگر تدریس را نقطه آغاز فعالیت در جهت اجرای برنامه درسی و مبادله اندیشه معلم و دانش آموزان در بررسی حقایق علمی، بدانیم موقعیتی است بسیار حساس که می تواند سبب تحقق یا عدم تحقق اهداف آموزشی شود. (شعبانی، ۱۳۸۴) کیفیت تدریس، امروزه در راس امور آموزش قرار دارد و بهبود کیفیت از دغدغه های اصلی آنها است. شناسایی نقاط ضعف و قوت، تشخیص فرصت ها و تهدیدها و تلاش برای بهبود وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب و کسب جایگاه برتر از مهمترین وظایف سازمان ها از جمله موسسات آموزشی است.

هر فرد ممکن است در چهارچوب ارزشهای مورد نظر خود کیفیت را تعریف کرده درباره آن به گونه ای خاص قضاوت کند. (Diaz, 2001) در ارزیابی کیفیت آموزشی باید ابتدا به اندازه گیری بروندادها پرداخت ولی از آنجایی که معمولاً اندازه گیری بروندادها به سهولت انجام نمی شود، اغلب اوقات به ارزیابی اثر بخشی پرداخته می شود؛ بنابراین بر این اساس کیفیت تدریس با اثر بخشی تدریس مترادف در نظر گرفته می شوند که منظور از تدریس اثر بخش مجموعه ای از عملکردها و ویژگیهای معلم است که باعث دستیابی به اهداف آموزشی و یادگیری بهتر فراگیر می شود. البته یادگیری به عوامل متعدد دیگری از جمله رفتارهای دانش آموز، انگیزه یادگیری، محتوای برنامه درسی و محیط فیزیکی نیز بستگی دارد. (ظهور و اسلامی نژاد، ۱۳۸۱)

در واقع تحقیق درباره کیفیت تدریس از جمله مهمترین مسائلی است که از یک سو بازخورد مناسب را برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی، تصمیم گیری های اساسی و برنامه ریزی استراتژیک در اختیار مسئولین و مجریان آموزش عالی قرار میدهد و از سویی دیگر مدرسان نیز میتوانند با آگاهی از چگونگی عملکرد خود در جریان تدریس نسبت به اصلاح شیوه ها و روشهای آموزشی و در نتیجه کیفیت تدریس خود اقدام نمایند (شهرکی پور و رستگاری پور، ۱۳۹۱) با در نظر گرفتن اینکه معلم نقش اساسی و مستقیمی در تجربه یادگیری فراگیران ایفا میکند و نقش معلم در فرایند آموزشی به اندازه ای مهم است که عده ای تدریس را مترادف با آموزش و پرورش تلقی می کنند. (باغانی و دهقان نیشابوری، ۱۳۹۱) شایسته است هر گونه عاملی که بتواند منجر به بهبود کارکردهای معلم شود مورد توجه قرار بگیرد.



رحمانی (۱۳۹۱) در پایان نامه خود به بررسی بررسی عوامل موثر بر اثربخشی تدریس از دیدگاه معلمان دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱ پرداخته و به این نتیجه دست یافت که « ۱- پنج عامل از دیدگاه دبیران شناسایی شد که عبارتند از مهارت های تدریس، تجارب معلم، دانش کلی تربیتی معلم، مهارت های ارتباطی معلم، دانش مربوط به محتوای موضوع درسی ۲- مولفه های شناسایی شده دارای اهمیت یکسانی نمی باشند ۳- بین دیدگاه های معلمان رشته های علوم تجربی، ریاضی و علوم انسانی در خصوص عوامل موثر بر تدریس اثربخش تفاوت وجود ندارد ۴- بین معلمان زن و مرد از نظر عوامل موثر بر اثربخشی تدریس تفاوت وجود دارد ۵- عوامل موثر بر تدریس اثربخش از نظر معلمان رشته های دبیری و غیر دبیری با یکدیگر متفاوت نمی باشد. در پایان نیز بر اساس یافته های پژوهش پیشنهادهایی ارائه گردیده است. »

باباگلی و بلاغت (۱۳۹۵) در تحقیق خود به بررسی رابطه روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس معلمان مقطع متوسطه پرداخته و نشان دادند « بین روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس و همچنین بین روح فلسفی و هوش معنوی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از ابعاد روح فلسفی، طرفداری از ارزش های انسانی، کنجکاوی، نوجویی و ژرف اندیشی و از ابعاد هوش معنوی، پرداختن به سجایای اخلاقی و تفکر کلی و بعد اعتقادی، قادر به پیش بینی کیفیت تدریس می باشند. »

یافته های پژوهش زاهد بابلان و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی عوامل موثر بر کیفیت تدریس معلمان نشان داد « آنچه در کیفیت تدریس معلمان موثر است عبارتند از ویژگی فردی و حرفه ای، ویژگی شخصیتی، کارآمدی در ارائه محتوا و استفاده از روش های مختلف تدریس، فضای فیزیکی مناسب، امکانات و تکنولوژی مناسب، انجام ارزشیابی، عوامل مدیریتی، مرتبه علمی، برنامه درسی، عوامل ارتباطی و در امکانات اقتصادی و رفاهی است. »

رعیتی شوازی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر بهبود کیفیت تدریس معلمان در آموزش و پرورش پرداخته و نشان دادند « دانش یکی از عامل های موثر بر بهبود روش تدریس خود معلمان هستند و معلمان می توانند ضعف وسایل آموزشی، کتب، فضای فیزیکی کلاس و سایر نواقص را جبران کنند و با الگوی اخلاق و رفتار خود انگیزه به تحصیل را در فراگیران ایجاد کنند. امروزه توسعه، نیازمند یک نظام آموزش پویا و هماهنگ است. آموزش و پرورش باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگناهای مالی، به حفظ، بهبود و ارتقای کیفیت نیز بپردازد. معلمان یکی از مهم ترین ارکان فرایند نوسازی مدارس هستند، آنها بیش از پیش نیازمند درک عمیق تری از تحولات اجتماعی هستند و بر اساس رشد روز افزون تقاضای اجتماعی برای مدارس، تغییر کیفیت آن و تصویری نوین از صلاحیت های یک معلم را می توان به سه دسته تقسیم کرد: صلاحیت های حرفه ای، صلاحیت های شخصی و ذاتی، مهارت های اجتماعی. »

روش شناسی :

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل موثر در ارتقا کیفیت تدریس معلمان به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

بحث درباره یافته ها

تدریس از نظر لغوی به معنای درس دادن و درس گفتن است. از نظر اصطلاحی جملگی یک نکته مشترک دارند و این نکته مشترک فعالیت بودن تدریس است آن هم فعالیتی عمدی که بر اساس اهدافی (هدفی) خاص انجام می گیرد (عمید، ۱۳۷۱)



از این تعریف چند نکته اساسی را می توان استنتاج کرد که برای درک مفهوم تدریس مفید هستند:

نخست آن که تدریس یک فعالیت است می توان شاهد تدریس بود و آن را به عنوان یک واقعیت مشاهده کرد. نیازی نیست برای استنتاج آن به سراغ یادگیری رفت .

دوم آن که تدریس یک فعالیت بین الاشخاصی است. بین الاشخاصی بدان معنی است که تدریس، تعامل بین یک معلم و یک یا چند دانش آموز را در بر می گیرد . تعامل های جریان تدریس اغلب از نوع کلامی هستند و در عین حال دو سویه انجام می شود. البته دو سویه و کلامی بودن تدریس به معنای آن نیست که تدریس محدود به حضور مشارکت کنندگان در یک موقعیت یا مکان است. با بهره گیری از فناوری امکان حضور با فاصله ی معلم و شاگرد مهیا شده و شکلی از تدریس پدید آمده است که تدریس الکترونیکی نام دارد (موسی پور ، ۱۳۸۳)

سوم آن که تدریس عمدی است. برای آن که تدریس اتفاق بیفتد مجموعه ای از هدفها با هدفی وجود دارد کلوتر میگوید که : « تدریس معطوف به یادگیری است. » کیچ ادعا می کند که تدریس « تغییر دادن روشهایی را که دیگر اشخاص می توانند یا می خواهند رفتار کنند، نشانه گرفته است. » این نکته را حتی می توان در نظریه کسانی که بر بعد هنری بودن تدریس تأکید می ورزند نیز یافت یعنی در تدریس عمدی وجود دارد و هدفی مورد نظر است هر چند که این هدف کلی باشد و چنان چه که آیزنر می گوید : « متغیر، مبهم و سیال » .

این گروه تدریس را معطوف به اکتشاف و خلاقیت می دانند آن چه از هر دو بیان بر می آید (تدریس معطوف به یادگیری و تدریس معطوف به خلاقیت) این است که واژه تدریس به دستاورد تأکید ندارد بلکه بر جهت گیری فعالیت تمرکز دارد . عمدی بودن تدریس به نحوی مربوط به آن چیزی است که نام آن را فرض یا احتمال نادانی نهاده اند. احتمال نادانی به این معناست که قبل از تدریس چیزی شاگرد آن را نمی دانسته و یا بر انجام آن قادر نبوده است. در واقع اگر شاگردان آن چه را که می خواهند آموخته شود قبلا بدانند و یا بتوانند انجام دهند یادگیری انجام نخواهد شد این معنا را میتوان در تدریس بر اساس نظر بهتر دریافت . او مدعی است که توفیق تدریس را می توان بر اساس مقدار کوششی که برای یاد گرفتن در شاگرد ایجاد میکند مورد قضاوت قرار داد؛ به این معنا که اگر شاگرد به هنگام تدریس معلم توجه ، کند تمرکز یابد و یا کوشا گردد تدریس موفقیت آمیز بوده است. تلفیق خصوصیت مطرح شده می تواند یک تعریف واحد از تدریس را پدید آورد. بر این اساس می توان گفت تدریس فعالیتی بین الاشخاصی و تعاملی است که مبتنی بر ارتباط کلامی و معطوف به یادگیری با تغییر روشهای رفتار کردن یک یا چند شاگرد است . (همان)

مهارتهای فرآیند تدریس

فرایند تدریس مجموعه اعمالی است ،سنجیده منطقی و پیوسته که به منظور ارائه ی درس از طرف معلم صورت می گیرد. تواناییهایی که معلم برای اجرای این اعمال کسب می کند مهارتهای فرآیند تدریس نامیده می شوند . مهارتهای فرآیند تدریس دارای سه مرحله کلی است و هر کدام از این مراحل دارای زیر مراحل است :

۱ . مهارتهای قبل از تدریس

این بخش به فعالیتهای و اقداماتی که معلم پیش از شروع درس انجام می دهد مربوط می گردد که شامل:

الف) طراحی برنامه تدریس؛

ب) زمانبندی یک درس برای یک سال تحصیلی؛



(ج) زمانبندی یک درس برای ثلث ماه و هفته

(د) طرح درس روزانه؛

(ه) تعیین هدف درس جدید و تعیین رفتار ورودی؛

(ز) تهیه آزمون رفتار ورودی؛

(ح) تعیین مراحل و روشهای تدریس

(ط) انتخاب رسانه ی تعیین فعالیتهای یادگیری

(ظ) ارزشیابی

۲. مهارتهای ضمن تدریس

(الف) مهارت اجرای آزمون رفتار ورودی؛

(ب) مهارت برقراری ارتباط

(ج) مهارت تمرکز بخشی

(د) مهارت آماده سازی

(ه) مهارت ارائه درس جدید و مهارت جمع بندی؛

(ز) کلاسداری یا مدیریت کلاس

۳. مهارتهای پس از تدریس

(الف) فعالیتهای تکمیلی

(ب) ارزشیابی (صفوی، ۱۳۸۴)

از آنجا که فعالیت تدریس به قصد ایجاد شرایط مطلوبی است که یادگیری را برای یادگیرندگان آسان کند، مستلزم آگاهی معلم از وضعیت شناختی آنان است. تدریس یک فعل و انفعال دو جانبه بین معلم و فراگیران است تا فراگیران را با محتوای درسی درگیر کند و با علاقمندی و شور و شوق، مفاهیم جدید را از موضوعات ارائه شده استنباط نمایند و بدین وسیله زمینه تغییر در نگرش خود را فراهم نموده و ارزشهای نوینی را خلق نمایند در چنین حالتی ویژگیها و رفتار معلم بر فعالیت و اعمال فراگیران تأثیر می گذارد و بالعکس معلم از ویژگیها و رفتارهای فراگیران متأثر می شود. به هر حال فعالیت تدریس به منظور اطمینان یافتن از اثرگذاری محتوای برنامه درسی بر فراگیران انجام می شود و بیشتر فعالیت و تلاش فراگیران را می طلبد تا کوششهای ذهنی معلم در کلاس درس را از طرفی فعالیت درسی بر پایه اصول نظامداری تدوین و سازماندهی می شود که



بر عهده معلم است . بر اساس این طراحی معلم ساخته ، هدایت فعالیتهای تدریس جهت درگیر شدن فراگیر با موضوع درسی، وظیفه اصلی معلم در فرایند تدریس است (شعبانی، ۱۳۸۴).

تدریس اثربخش و عوامل مؤثر بر آن

تدریس اثربخش باید فعالیتی منظم و مرتب و هدفدار باشد و از پیش طراحی شود و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری باشد و معلم و شاگرد بر هم تأثیر بگذارند. نکته مهم در این فرآیند این است که معلم باید دارای یک سری توانایی برای یادگیری بهتر فراگیران باشد تدریس اثربخش به معنی توانایی معلم برای فراهم آوردن تجربه یادگیری جهت کسب نتایج آموزش مطلوب است. برای این منظور تک تک دانش آموزان باید درگیر فعالیت یادگیری شوند (کریچی ۱۳۸۷). می توان تدریس اثر بخش را اینگونه نیز تعریف کرد : « تدریسی که در آن معلم به طور موفقیت آمیز به اهداف یادگیری دانش آموزان دستیابی پیدا می کند. »

بطور کلی دو عنصر بسیار ساده موجب تدریس اثر بخش می شوند :

معلم باید تصویر ذهنی روشنی از نوع یادگیری که قرار است اتفاق بیفتد داشته باشد.

معلم تجربیات یادگیری ای را فراهم می کند که به این نوع یادگیری دستیابی پیدا کند.

در بحث تدریس اثربخش باید واضح باشد معلم در پی پرورش چه نوع نتایج آموزشی است و تجربیات یادگیری برای دستیابی به این نتایج چقدر بافت مورد نظر را تأیید می کنند . طراحی یک تجربه یادگیری اثر بخش جهت حفظ یک شعر برای کودکان هشت ساله ممکن است با یک تجربه یادگیری جهت فرضیه سازی در درس علوم برای کودکان پانزده ساله کاملاً متفاوت باشد. (کریاکو، ۱۳۸۷) تدریس اثر بخش سه جنبه از فعالیتهای یادگیری (توجه ، پذیرا بودن و تناسب) را شامل می شود یعنی دانش آموزان باید انگیزه داشته و مشتاق یادگیری باشند .

توجه دانش آموزان یعنی اطمینان از اینکه دانش آموزان به تدریس و تجربه یادگیری توجه می کنند

پذیرا بودن دانش آموزان یعنی اطمینان از اینکه دانش آموزان انگیزه دارند و مشتاق یادگیری و پاسخگویی به آن تجربه هستند

تناسب یعنی طراحی یک تجربه که با نتایج یادگیری مطلوب تناسب دارد

توجه به این سه جنبه یادگیری دانش آموز ما را وادار می کند تجربه یادگیری را از دید دانش آموز ببینیم و احتمال اثر بخشی آنرا به حداکثر برسانیم .

تدریس اثربخش ضرورتاً "مرتبط با این است که معلم چگونه میتواند یادگیری مطلوب را با استفاده از فعالیتهای آموزشی با موفقیت به انجام برساند. معلمین با مسائل مهمی روبرو هستند که اگر بخواهند اثر بخشی خود را حفظ کنند باید به درستی به آنها رسیدگی کنند. همچنین واضح است که اگر معلمین به طور انفرادی عمل کنند و به امید منابع و مهارتهای شغلی خود باشند نمی توانند این کار را با موفقیت انجام دهند بلکه چیزی که لازم است کار گروهی می باشد که فعالیت تدریس را پرورش داده و پشتیبانی می کند. این کار گروهی اثر بخش مستلزم قوانین و ساختار مناسب هم در رابطه با مدیریت و سازماندهی داخلی مدرسه و هم در رابطه با همکاری بین ،معلمین اولیا و دولت مرکزی است. در طی سالیان اخیر تلاش



بسیاری در جهت بهبود کیفیت تجربیات یادگیری شده است. اگر کار گروهی اثر بخش اجرا شود این چنین پیشرفتی نیز تداوم خواهد داشت. از این حیث امید به تدریس اثربخش در آینده وجود دارد (بیابانگرد، ۱۳۹۰)

از نظر کریاکو سه وظیفه اصلی که زیربنای تدریس اثربخش در کلاس درس هستند عبارت اند از : طرح درس ، ارائه درس و ارزشیابی تدریس . این سه عامل مهم باید زمینه تصمیم گیری قبل از درس هنگام درس و پس از اتمام درس باشند .

طرح درس مربوط به سوالات کلیدی است که طرح بنیادی درس و محتوای آن را تشکیل می دهند ارائه درس و ارزشیابی تدریس در ارتباط با این مطلب هستند که معلم درس را چگونه ارائه دهد و پیشرفت آن را جهت اثر بخشی تحت نظر داشته باشد سنجش و ارزشیابی مربوط به این هستند که معلم چگونه موفقیت آمیز بودن درس را ارزشیابی می کند و نتایج آن را در تدریس های آتی منعکس می کند .

یکی از مشخصه های عمده تدریس اثر بخش استفاده از فعالیتهایی است که کاربرد آموخته ها را مورد تأکید قرار می دهد تا انتقال یادگیری را آسان کند. مخصوصاً انتقال یادگیری مدرسه ای به سمت زندگی روزمره . در تدریس اثر بخش توجه به فعالیتهای فردی دانش آموزان عامل کلیدی محسوب میشود این تفاوتها شامل توانایی انگیزه ، طبقه اجتماعی ، جنسیت نژاد و نیازهای آموزشی می گردند . یکی از جنبه های کلیدی تدریس اثر بخش استفاده از روشهای تدریس متنوع است که معلم را قادر سازد تا علائق دانش آموزان را بیرون کشیده و آنها را که در یادگیری دخالت دارند تقویت کند

در تدریس موثر شاخصه های زیر را باید در نظر داشت :

- ۱ . نظریه ها فعالیت شخصی معلم و محصل را با هم به کار گیرد
- ۲ . روانشناسی یادگیری را به کار ببرد
- ۳ . به دانش آموزان کمک کند هدفمند بیاموزند
- ۴ . از معلومات یا تجربه های دانش آموزان آغاز کند نه مجهولات
- ۵ . تفاوتهای فردی را رعایت کند
- ۶ . قدرتهای تفکر و استدلال را بر انگیزد
- ۷ . شاخصها متناسب با پیشرفتهای هر محصل در مهارتها و توانمندیها و عادات،ها معلومات و افکار باشد
- ۸ . دانش آموز را به فعالیتهای و تجربه های شخصی متعدد و متنوع وادار کند و موجب آمادگی همه جانبه آنان شود
- ۹ . فعالیتهایی را در بر دارد که مستلزم مقایسه و تشخیص و تحلیل و ترکیب اند
- ۱۰ . فرصت پرسش و پاسخ برای دانش آموزان ایجاد کند (شعاری نژاد، ۱۳۸۱)

اچسون و گال (۱۳۸۰) معتقدند معلم مؤثر کسی است که هر یک از وظایف تدریس را در سطحی رضایت بخش انجام دهد این وظایف عبارتند از: (رحمانی ، ۱۳۹۱)

- ۱ - فراهم ساختن آموزش برای دانش و مهارتهای تحصیلی



۲- فراهم ساختن جو آموزشی برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به محیط آموزشی و نسبت به خود در فراگیران

۳- تطبیق دادن آموزش با تفاوت های فردی ، فرهنگی و خانوادگی

۴- فعال کردن فراگیران در جریان تدریس - یادگیری

۵- اخذ تصمیمات و طرح های درست

۶- اجرای تغییر مطلوب در طرح و برنامه

عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت تدریس

۱. شناخت دانش آموزان و صمیمی بودن با آنها (سوابق خانوادگی ، شخصیتی، بیماری، ذهنی و...)

۲. ایجاد انگیزه و تشویق دانش آموزان

مسائل فکری رانمی توان بازور و اجبار به دیگران یاد داد، باید انگیزه لازم برای یادگیری در افراد ایجاد نمود تا خودشان به طور دلخواه به فراگرفتن آن امور بپردازند.

۳. مشارکت دانش آموزان در فرایند یادگیری (به تفکر و داشتن دانش آموزان و ایجاد مساله برای آنها)

تحقیقات فلندر که معروفیت جهانی دارد نشان داد که آن دسته از معلمانی که باروش غیر مستقیم تدریس می کنند، کارائی بیشتری نسبت به معلمانی دارند که از این روش استفاده نمی کنند. (پیروزفر ، ۱۳۹۸)

۴. به کار بردن شیوه های مناسب تدریس

معلم همواره باید راهنما و کارگردان کوشش هایی باشد که برای کلاس برنامه ریزی شده است و کلاس درس باید به صورت کارگاه فعالی باشد که دانش آموزان در آنجا به کار و کوشش ذهنی و عملی اشتغال داشته باشند . آموزش یک طرفه، آموزش مستقیم و آموزش سنتی به عنوان یک پدیده رایج در نظام آموزشی، غالبا حاکی از حاکمیت مطلق معلمان در کلاس درس و منفعل بودن دانش آموز در عرصه یاددهی یادگیری است. در حالی که با بهره گرفتن از روش های تدریس فعال، می توان مکانیسم های یادگیری دانش آموزان را توسعه داد .

۵. مراعات اصول ارائه مطالب

ویتروک پس از انجام تحقیقاتی اصول زیر را سفارش نمود:

— مرور و بررسی تکالیف قبلی دانش آموزان



- ارائه مطالب جدید
- راهنمایی دانش آموزان برای انجام تمرینات جدید و مطلع شدن از میزان فهم دانش آموزان از درس جدید
- انجام بازخورد
- دادن تمرینات جدید و مرور هفتگی و ماهانه مطالب درسی .

۶. برقراری نظم و انضباط در کلاس

منظور از نظم، ساکت و آرام بودن و گوش دادن به حرفهای معلم نیست بلکه متنوع و دوست داشتنی بودن جو کلاس است که هر دانش آموز احساس آرامش و دلپذیری به کلاس داشته باشد . سیف (۱۳۹۹) علل مهم بی انضباطی دانش آموزان را عدم تسلط علمی و تجربی معلمان و عدم آشنایی آنها با اصول و مهارت های تدریس دانسته است .

۷. ارزشیابی مستمر دانش آموزان

تدریسی موفق است که اکثریت دانش آموزان مطالب درسی را خوب بفهمند و برای اینکه بدانیم مطالب درسی را فراگرفته اند یا نه . باید با سوال کردن ، دادن تست های کوتاه در پایان هر کلاس ، انجام تست های ماهیانه و... بازخورد آنها راسنجید. (کاظمی ، ۱۳۸۸) ارزشیابی، گامی در جهت افزایش کیفیت آموزش و محقق کردن اهداف آموزشی است.

۸. تعیین استراتژی های یادگیری

برخی اعتقاد دارند به منظور اجرای برنامه درسی در کلاس، باید استراتژی ها را تعیین نمود . اما قبل از انتخاب محتوی، لازم است طراح برنامه درسی، استراتژی ها را بشناسد و در نوشتن، طراحی و انتخاب محتوی دخالت دهد. (مظلومی و همکاران ، ۱۳۹۶) امروزه ضرورت توجه به یادگیری پویا و فعال در فرآیندهای آموزشی اهمیت و ضرورت اساسی دارد . به عبارتی، فرآیندهای آموزشی باید به سمتی هدایت شوند که یادگیری از انباشتگی ذهنی جدا شده و فراگیر به یک یادگیرنده خودمختور تبدیل شود . این امر زمینه ساز یادگیری مادام العمر خواهد بود .

راهکارهای کاربردی یک تدریس اثر بخش

معلمانی تدریس اثر بخش و با کیفیت دارند که به گونه ای مناسب ، اهدافی را که مستقیم یا غیر مستقیم با یادگیری دانش آموزان مرتبط است، دنبال می کنند و جهت دستیابی به اهداف آموزشی دانش و مهارت های مورد نیاز را به دست می آورند تا بتوانند از آن ها در زمان مناسب به شیوه مطلوب مورد انتظار به کارگیرند که در اینجا به بیان بعضی از ویژگی های یک تدریس اثر بخش می پردازیم :

۱. داشتن طرح درس



طراحی آموزشی یا طرح درس، شامل تصمیم گیری درمورد عناصر برنامه وارتباط آن ها با یکدیگر است. طرح درس چار چوب کاری معلم را معین می کند. و هدف از طرح درس، استفاده بهینه از زمان، تصمیم گیری درمورد مضمون ومراحل تدریس وایجاد شرایط لازم شکل بخشیدن به یادگیری است.

۲. استفاده از شیوه های مناسب تدریس

اثر بخش ترین معلمان، کسانی هستند که می توانند روش های تدریس خود را تغییر دهند، یعنی روش های تدریس آن ها، آن قدر انعطاف پذیر است که می تواند به سهولت با موقعیت های مختلف تطبیق پیدا کند. دریک جلسه تدریس الزاماً نباید ازیک روش تدریس استفاده شود بلکه باید از شیوه های متعددی برای تدریس موضوع مورد نظر استفاده شود. بنابراین معلم باید بروش ها وشیوه های گوناگون تدریس، مسلط باشد و با توجه به وضعیت و مقتضیات کلاس درس از روش های خاصی استفاده کند.

۳. مشارکت دانش آموزان درفرآیند یادگیری

معلم باید همه دانش آموزان رادرتمام مراحل تدریس، اعم از شروع تدریس، ارائه وخلاصه کردن و... فعالانه شرکت دهد تا اداره کلاس به شکل مطلوبی صورت گیرد بدین طریق، دانش آموزان مطالب مورد نظر رابه خوبی فراگیرند زیرا دانش آموزان هستند که یادگیری را محقق می سازند. برای تحقق این امر، لازم است معلم برای دانش آموزان فرصت فعالیتهای علمی نظیر: تجربه، آزمایش و مشاهده را مهیا کند، آنان را برای مشارکت در بحث های کلاس و سایر فعالیت های جمعی ترغیب کند و اجازه دهد تادر یادگیری خود سهیم شوند. بدین معنا که باید به دانش آموزان اجازه داد درباره آنچه یاد می گیرند و نیز درباره شیوه های یادگیری خود سهیم باشند.

۴. نظارت مداوم برکلاس

معلم بایدتوجه داشته باشد که نگاه خودرا عادلانه در بین فراگیران تقسیم کند زیرا فراگیران بخشی از مطالب درسی از طریق ارتباط چشمی با معلم خود فرا می گیرند.

۵. استفاده بهینه از وقت

معلم باید به گونه ای وقت کلاس را تنظیم نماید که وقت او بیهوده تلف نگردد. بعداً نیاز به کلاس های فشرده جبرانی نباشد. او بهتر است از مطالب غیر ضروری پرهیز نماید و طبق زمان بندی براساس سر فصل تهیه شده تدریس کند.

۶. به کار گرفتن حواس و مهارتها و توانایی های مختلف یادگیرنده گان

تحقیقات روان شناسی یادگیری وعلوم تربیتی بر نقش حواس مختلف در یادگیری اشاره دارد یعنی گرچه بخشی از یادگیری از طریق حس شنوایی انجام می شود ولی بخش عمده دیگر از طریق بینایی ممکن است. حواس دیگری چون لامسه،بویایی وچشایی نیز به سهم خود دریادگیری انسان موثر است. بنابراین اظهارات انجام شده،برای افراد طبیعی،حس بینایی نقش اساسی تری دریادگیری دارد، پس از آن شنوایی، حواس دیگر



در مرتبه بعدی قرار دارند. نکته حائز اهمیت این است که نباید آموزش را صرفاً به شیوه های شنیداری محدود ساخت بلکه اولویت دادن به شیوه دیداری به ویژه تلفیق شیوه دید دیداری شنیداری تأثیرات مفید یاد دهی - یادگیری را افزایش می بخشد.

۷. تناسب با شرایط وامکانات محیط و حداکثر استفاده از آن

استفاده از فضای سبز مدارس در صورت موجود و یا استفاده از پارک های نزدیک مدرسه استفاده از برنامه های علمی تلویزیونی، از طریق ضبط قبلی برنامه یا شناسایی و استفاده از شرایط وامکاناتی که در اختیار والدین قرار دارد و می تواند در اختیار کلاس فرزندانشان قرار گیرد از جمله: اولیای شاغل و دارای مسئولیت در مراکز صنعتی، تولیدی، مخابرات، انتشارات، مراکز هنری، آزمایشگاه ها و فضاهای طبیعی و.....

۸. توانایی جذب دانش آموز

به عقیده دکتر سیف یکی از ویژگی های معلمان کارآمد، جذب شاگردان به جلسات درس و ادامه شرکت آنان در فعالیت های یادگیری است. معلمان با کفایت می دانند که برای هر دانش آموز، درس را باید از کجا شروع کرد. آنان هر جا که لازم آید به آموزش انفرادی روی می آورند و سرعت تدریس را متناسب با پیشرفت دانش آموزان تنظیم می کنند.

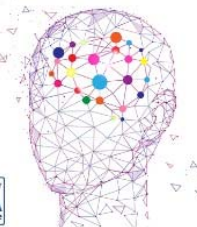
۹. پرورش مهارت های فکری

معلمان موفق می توانند فعالیت های آموزشی را معنا دار سازند. بدین منظور یک معلم کار آمد یادگیری جدید دانش آموزان جدید را طوری هدایت می کند که با دانش قبلی آنها همسانی داشته باشد تا دانش آموزان بتوانند دانش جدید را به نحوی منطقی در حافظه خود سازمان دهند.

نتیجه گیری

یکی از عوامل کلیدی و ابزارهای اساسی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، کیفیت تدریس و مهارت های حرفه ای معلمان است. عواملی همچون ویژگی های شخصیتی و علمی معلم، ویژگی های شاگرد، تاثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی و تاثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرایند تدریس از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و شناخت چنین عواملی معلم را قادر می سازد که در تنظیم فعالیت های تدریس، تصمیمی آگاهانه بگیرد. تدریس اثربخش و موثر یکی از شاخص های آموزش و پرورش پویا می باشد. معلمان برای ایجاد یک تدریس با کیفیت از راه و روش های خاصی استفاده کرده و با توجه به موضوعات درسی از آنها بهره می جویند. معلم باید با توجه به هدف های آموزشی، محتوای تدریس، نیازها و علایق دانش آموزان، امکانات موجود (زمان، فضا، وسایل و...)، تراکم دانش آموزی و ... مناسب ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب کند. معلمانی موفق هستند که به شاگردان خود مطالب شناختی و اجتماعی را به خوبی عرضه می دارند و نحوه به کارگیری موثر از آن ها را می آموزند.

پیشنهادهات



در این راستا پیشنهاد می شود به منظور افزایش کیفیت تدریس معلمان، کارگاههای آموزشی و تخصصی و دوره های آموزش ضمن خدمت در زمینه نحوه درست طراحی و تحلیل آموزشی برگزار شود.

منابع

- باغانی، مریم؛ دهقان نیشابوری، محسن؛ ۱۳۹۱، تاثیر اضطراب معلمان بر کیفیت تدریس، فصل نامه راهبردهای آموزش، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳ - ۹
- باباگلی، مرضیه، بلاغت، سید رضا. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس معلمان مقطع متوسطه. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۳(۲۳)، ۲۰-۱
- بیابانگرد، اسماعیل؛ ۱۳۹۰، روانشناسی پرورشی، تهران، انتشارات ویرایش
- پیروز فر بهروز؛ (۱۳۹۸)، گروه آموزشی مدیران دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش - راهبردهایی در مدیریت آموزشگاهی، ناشر: دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش
- رعیتی شوازی، علیرضا و درویش بدیع، حمید و لمسو سماکوش، صادق، ۱۴۰۲، بررسی عوامل موثر بر بهبود کیفیت تدریس معلمان در آموزش و پرورش، پنجمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم
- رحمانی، فیروزه؛ ۱۳۹۱، بررسی عوامل موثر بر اثربخشی تدریس از دیدگاه معلمان دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- زاهدبايلان، عادل و اکبری، تقی و معینی کیا، مهدی و صفری سامیانی، فضا، ۱۴۰۱، بررسی عوامل موثر بر کیفیت تدریس معلمان، سومین همایش ملی مدرسه آینده، اردبیل
- شعاری نژاد، علی اکبر؛ ۱۳۸۱، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، انتشارات امیرکبیر
- شهرکی پور، حسن؛ رستگاری پور، مریم؛ (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین کیفیت تدریس معلمان دینی و رفتارهای مذهبی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه از دیدگاه معلمان منطقه یک شهر تهران، اندیشه های نوین تربیتی، ۳۲، ۱۶۳ - ۱۴۱
- شعبانی، حسن؛ ۱۳۸۴، مهارت های آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت
- صفوی، امان الله؛ ۱۳۸۴، کلیات روش ها و فنون تدریس، چاپ اول، تهران، انتشارات معاصر
- ظهیر، علیرضا؛ اسلامی نژاد، طاهره؛ ۱۳۸۱، شاخص های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان، فصلنامه پایش، سال اول، شماره ۷
- عمید، حسن؛ ۱۳۷۱، فرهنگنامه عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر
- عباسیان، سهیلا؛ ۱۳۸۴، نقش و تاثیر گروه های آموزشی (مقطع متوسطه) در بهبود آموزش و تدوین الگوهای مناسب بر افزایش بهره وری عملکرد آنها در مناطق ۲۷ گانه شهرستان استان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- فتحی آذر، اسکندر؛ (۱۳۸۲)، روش ها و فنون تدریس، تبریز؛ نشر دانشگاه تبریز
- کریمی پور، محمدرضا؛ شعبان نژاد، رضا؛ (۱۳۸۴)، اصول و مبانی آموزش و پرورش، تهران، نشر پیوند مهر
- کریمی، یوسف؛ ۱۳۸۷، روانشناسی تربیتی، تهران، نشر ارسباران
- کریاکو، کریس؛ ۱۳۸۷، تدریس اثربخش در مدرسه؛ ترجمه حیدر تورانی و سعید ابراهیمی، تهران، نشر قو



کاظمی، کرامت؛ (۱۳۸۸)؛ عوامل مؤثر در بهبود کیفیت تدریس، <https://kazemi1343.blogspot.com/1388/03/04/post-28>،
موسی پور، نعمت الله؛ ۱۳۸۳، مفهوم تدریس و پرسش های اساسی آن، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، سال اول، شماره اول، ص ۵۶ – ۴۷
ملکی نیا، فرید؛ ۱۳۹۴، مروری بر عوامل مؤثر کیفیت تدریس آموزش عالی، اولین کنگره سراسری تحول و نوآوری در علوم انسانی، شیراز، مؤسسه عالی
علوم و فناوری خوارزمی
مظلومی، س.، احرام پوش، م.، کالتتر، م (۱۳۹۶) بررسی خصوصیات یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان

Diaz, D. P. (2001, June). Four principles of technology training. Faculty Association of California
Community Colleges Journal (FACCCTS), 9-10.